

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی - ایران

۲۰ سپتمبر ۲۰۱۷

طلایه های شکل گیری وجدان طبقاتی کارگران در ایران

مبارزات گسترده کارگران رشته های مختلف صنایع و خدمات مانند فولاد اهواز، نیشکر هفت تپه، کاغذ پارس هفت تپه، هپکو اراک، مجتمع های پتروشیمی، پالایشگاه ستاره خلیج فارس، ذوب آهن اردبیل، فولاد یکتا اصفهان، ایران ترانسفو، معدن طلای آق دره و معدن زغال یورت گلستان، شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، کارخانه نساجی قائم شهر، شبکه هوایی و زمینی مشهد، مخابرات شهرهای گوناگون و همچنین مبارزات گسترده معلمان در بیشتر نقاط کشور، جنبش پرستاران و دیگر کارکنان خدمات بهداشت و درمان، کارگران خدمات شهری و نیز جنبش وسیع بازنشستگان در شهرهای مختلف برای افزایش مستمری، بیمه و درمان کامل، مسکن، داشتن حق نظارت بر صندوق های بازنشستگی و مخالفت با خصوصی سازی و یا سلطه دیوانسالاران غارتگر بر این منابع عظیم که اندوخته کار میلیون ها کارگر طی ده ها سال است و غیره و غیره، بی تردید همگی نشانه هائی روشن از رشد کمیت و ابعاد جنبش کارگری در ایران را رقم می زنند. به گفته خبرگزاری اقتصادی ایران: «در پایان آذر [قوس] ۹۵ محمد حسین ذوالفقاری معاون امنیتی انتظامی وزارت کشور از افزایش ۶۹ درصدی اعتراض های اجتماعی اعم از کارگری، صنفی و بخشی خبر داد».

البته رشد و تکامل جنبش کارگری تنها در کمیت و ابعاد اعتراضات خلاصه نمی شود. از نظر شکل مبارزه، بسیاری از کارگران مدت هاست که دریافته اند نه کارفرمایان و نه دولت با مذاکره و به زبان خوش به حقوق کارگران حتی در چارچوب قوانین خود رژیم تن در نمی دهند و بی محابا و وقیحانه به طور مداوم حقوق کارگران را پایمال و لگد کوب می کنند. از این رو مبارزات کارگران صنایع، خدمات و کشاورزی به صورت اعتصاب، تظاهرات، راه پیمائی، تحصن، اشغال و بستن جاده ها ادامه یافته و کارگران از شیوه های مختلف نبرد کارگری در سنت مبارزات کارگری ایران و سراسر جهان برای دست یابی به خواست هایشان استفاده کرده اند. از نظر محتوا، هرچند مضمون مبارزات کارگران اساساً خواست های اقتصادی و اجتماعی مانند: پرداخت مزدهای عقب افتاده، پرداخت بیمه از سوی کارفرما، افزایش مزد، مبارزه با اخراج و بیکارسازی، مبارزه با قراردادهای موقت و سفید امضاء و بستن کارخانه ها و یا مبارزه با خصوصی سازی است که راه را برای بیکارسازی و عدم اطمینان بیشتر زندگی حال و آینده کارگران هموار تر می کند، اما کارگران تنها برای خواست های اقتصادی و اجتماعی کارکنان کارخانه یا صنعت و حرفه خاص خود مبارزه نمی کنند بلکه برای منافع عام و مشترک تمام مزدبگیران و هم طبقه ئی های خود نیز دست به مبارزه می زنند.

یک نمونه از این مبارزات عام کارگران که از چارچوب خواست ها و منافع حرفه یا صنعت خاصی فراتر می رود مخالفت و اعتراضات پیگیر کارگران با به اصطلاح «اصلاح قانون کار» است، «اصلاحیه» ای که این قانون را از آنچه هست نیز به مراتب بدتر می کند (همان گونه که «اصلاحیه» قانون کار فرانسه توسط دولت مکرون چنین نقشی بر عهده دارد). رژیم جمهوری اسلامی در نتیجه اعتراضات کارگری مجبور به پس گرفتن اصلاحیه اش شد و البته به دنبال فرصتی است تا آن را به شکل دیگری دوباره به تصویب برساند. کارگران همچنین برای آزادی رفقایانشان، که در مبارزات کارگری توسط دستگاه امنیتی و قضائی رژیم سرمایه داری و ضد کارگری حاکم دستگیر شده اند، به اعتراض دست می زنند. همچنین به تعرضات رژیم علیه تشکلات کارگری و به اقدامات وحشیانه این رژیم مانند شلاق زدن و دیگر شکنجه های قرون وسطائی نه می گویند و به شکل های مختلف همدردی و همبستگی خود را با قربانیان این شکنجه ها و احکام وحشیانه اعلام می کنند. همان گونه که به شلیک عامدانه گلوله به کارگران کولبر توسط آدمکشان رژیم و قتل دو تن از آنها در روزهای اخیر اعتراض می کنند. ۲۳ «تشکل صنفی» کارگران ساختمانی استان های مختلف در اعلامیه مشترکی همدردی و همبستگی خود را با کولبران بانه و کارگران ساختمانی سنندج اظهار کرده و گفته اند: «... اما در این چند روز شاهد مظلومیت کارگران کولبر بانه و دو کارگر ساختمانی سنندج که بر اثر بی توجهی مسئولین به آتش کشیده شده اند، بودیم که باعث داغدار شدن خانواده این کارگران شد. مطمئناً با دیدن اینگونه موارد، زخمی عمیق در دل طبقه کارگر ایران به وجود خواهد آمد که کارگران آگاه این شرایط را فراموش نخواهند کرد» (ایلنا، ۲۶ شهریور [سنبله] ۱۳۹۶).

یک نمونه دیگر همدردی، همبستگی و اتحاد کارگران، پشتیبانی آنان از کارگران و معلمان دربند است که به شیوه های گوناگون از جمله اعتصاب غذاهای طولانی به بازداشت و محکومیت خود اعتراض دارند و دلیرانه اقدامات مقامات و نیروهای سرکوبگر رژیم را از صدر تا ذیل به نبرد فرامی خوانند. حمایت کارگران از کارگران و معلمان زندانی در واقع حمایت از حقوق کارگران به طور عام است، حتی اگر این حقوق را به طور صریح و کامل بیان نکرده باشند: یعنی حق اعتراض، حق اعتصاب، حق راه پیمائی و تحصن، حق داشتن تشکل مستقل از دولت، کارفرما، احزاب سیاسی و نهادهای مذهبی، حق آزادی بیان و عقیده، حق تحزب، حق برخورداری از مزدی که زندگی شایسته و انسانی یک خانوار کارگری را تأمین کند، حق برخورداری از بیمه های اجتماعی فراگیر، رفع تبعیض جنسی، مذهبی، ملی، قومی و نژادی در محیط کار و در سطح جامعه، مزد برابر در مقابل کار برابر برای کارگران زن و مرد، حق بهره مندی از بیمه کامل و مراقبت های پزشکی و مرخصی کافی برای دوران بارداری و زایمان زنان کارگر اعم از شاغل یا بیکار، حق برخورداری از بیمه بیکاری برای تمام بیکاران و جویندگان کار، حق بهره مندی از حقوق بازنشستگی به میزان حداقل ۴ میلیون تومان در ماه به علاوه بیمه اجتماعی فراگیر، مسکن و غیره.

یک جلوه دیگر آگاهی کارگران فرو ریختن ترس بسیاری از آنها در مطرح کردن خواست هایشان، پیگیری در تحقق آنها و تحمل عواقب و هزینه های این تلاش هاست. کارگران نه تنها به محق بودن خود باور دارند بلکه از نقاط ضعف طرف مقابل نیز آگاهند.

آری ما شاهد طلایه های بیداری وجدان جمعی در کارگران یا به عبارت دیگر بروز نشانه های بیداری و آگاهی طبقاتی در کارگران ایران هستیم. یعنی خودآگاهی که ناظر بر وجود طبقه ای مستقل و متمایز از دیگر طبقات اجتماعی با منافع طبقاتی و اهداف درازمدت معین است. این آگاهی بر بستر زندگی واقعی خود کارگران شکل می گیرد و برای تکامل و اثر بخشی بر زندگی و مبارزه کارگران، و جامعه به طور کلی، نیازمند تعمیق و گسترش است. تعمیق یعنی داشتن پایه های علمی و عقلانی محکم و مبتنی بر واقعیات اجتماعی، و گسترش یعنی پخش این آگاهی در میان وسیع

ترین توده های کارگر و نیز در میان دیگر توده های زحمتکش و روشنفکرانی که آینده جامعه و خود را در پیروزی طبقه کارگر می بینند.

در روند شکل گیری وجدان طبقاتی پرولتاریا، کارگران آگاه و پیشرو نقش و وظیفه بسیار مهمی بر عهده دارند: برقراری پیوند میان خواست های فردی پراکنده و خواست های جمعی در یک کارگاه، معدن، کارخانه، مدرسه، بیمارستان و غیره، درک و برقراری پیوند میان منافع واحدهای مختلف یک صنعت یا رشته خدماتی و بین صنایع و خدمات مختلف، درک و توضیح منافع اقتصادی مطرح در جامعه و ارتباط آن با منافع طبقاتی و جنبش ها و نهادهای سیاسی و ایدئولوژیک موجود در جامعه، درک و توضیح رابطه بین خواست های فوری و منافع و خواست های درازمدت طبقه کارگر، ضرورت مبارزه سیاسی مستقل کارگران علاوه بر مبارزات اقتصادی و اجتماعی. از نظر عملی این تلاش برای شکل گیری درخور آگاهی طبقه کارگر در دو عرصه متمایز و در عین حال مرتبط با هم صورت می گیرد: نخست) تلاش برای ایجاد اتحادیه های سراسری مستقل کارگران رشته های مختلف صنعتی، خدماتی و کارگران کشاورزی و دوم) سازمان سیاسی انقلابی طبقه کارگر.

شکل گیری این دو سازمان به معنای تجسم و جان گرفتن آگاهی طبقه کارگر و تداوم آن برای اثرگذاری دائم بر عمل این طبقه و انتقال آگاهی و تجربه به نسل های آتی است. هم شکل گیری اتحادیه های مستقل کارگری (مستقل از دولت، کارفرما، احزاب سیاسی و نهادهای مذهبی) که واقعاً مدافع حقوق و خواست های کارگران در برابر کارفرما و دولت باشند، و هم ایجاد حزب سیاسی انقلابی طبقه کارگر که باید همراه، هم‌رزم و راهنمای عملی و نظری این طبقه در تمام روند مبارزه طبقاتی تا محو طبقات در جامعه باشد تنها بر بستر مبارزات عملی و روزانه کارگران و تنها به دست خود کارگران تحقق می یابند زیرا آزادی طبقه کارگر تنها به دست خود این طبقه صورت می گیرد.

ایجاد این دو تشکل همچون دو بازوی نیرومند طبقه کارگر و دو تکیه گاه بزرگ این طبقه در مبارزات و رویدادهای اجتماعی و سیاسی حال و آینده، به ویژه در شرایط کنونی که اوضاع سیاسی جهان، منطقه و کشور آستان رویدادهای نامنتظر هستند بسیار مهم است. زیرا در غیر این صورت طبقه کارگر مانند گذشته بی سلاح خواهد بود و به جای تأثیرگذاری بر اوضاع، تأثیرپذیر باقی خواهد ماند.

کارگران انقلابی متحد ایران

۲۷ شهریور [سنبله] ۱۳۹۶